

## عنوان مقاله:

نوستالژی در شعر شهریار

## محل انتشار:

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 15، شماره 17 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

## نویسندگان:

عباس بیاتی نژاد - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران

علی اصغر بابا صفری - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

## خلاصه مقاله:

نوستالژی، به معنای غم غرب و احساس حسرت نسبت به گذشته است. این اصطلاح در ابتدا از علم پزشکی وارد حوزه روان شناسی شد و سپس به ادب یات راه یافت. نوستالژی (غم غربت) به عنوان یکی از رفتارهای ناخودآگاه فرد، ذهن بشر را در طول تاریخ درگیر خود ساخته است. ایندرد کهن از دیرباز، درون مایه بسیاری از آثار ادبی را به خود اختصاص داده است و شاعران و هنرمندان در آثار خود به نحوی حسرت گذشته و دلتنگی حاصل از آن را با ابزارهای زبان و تصویرپیشتر گوناگون بیان کرده اند. تغییر در شرایط و اوضاع فردی، اجتماعی، سیاسی و ... می تواند موجب احساسدلتنگی و غربت در فرد بشود. غم غرب و اندوه ناشی از اوضاع نابسامان زندگی، غم از دست دادن عزیزان، یادآوری خاطرات دوران کودکی و در مجموع همه اتفاقاتی که در زندگی فرد رخ می دهد و به نوعی با ابعاد روحی و روانی او سر و کار دارند شامل نوستالژی می شود. این مقاله، پژوهشیدرباره پدیده نوستالژی به عنوان یکی از گونه های ادب غنایی در شعر شهریار است. پس از ریشهشناسی و تعریف این اصطلاح با توجه به نظرات مختلف، به طور محوری تلاش شده است به اینسوالات پاسخ بدهد: آیا نوستالژی در شعر شهریار نمود دارد؟ انواع نوستالژی در شعر شهریار کدامند؟ و شاعر به کدام یک توجه بیشتری دارد؟ در این مقاله، مؤلفهای متعددی از نوستالژیاز جمله: دوری از وطن، دوری از معشوق، بازگشت به خاطرات کودکی و جوانی، سپری شدن عمر، غربت درونی واز دست دادن اعضای خانواده و عزیزان با ذکر نمونه هایی مورد بررسی قرار گرفته است.

## کلمات کلیدی:

شعر، ادب یات غنایی، نوستالژی، حسرت، شهریار

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1154325>

